



به پالایشگاه و روستاهای اطراف هم رسید و به خانه‌ها و مدرسه‌ها آسیب زده بود. مدرسه‌هایی نزدیک اسکله که دانش‌آموزانش چنددقیقه قبل از انفجار تعطیل شدند و چند ساعت بعد تصویر دیوارها و سقف ریخته آن را دیده بودند.

دستور تعطیلی شهر روز قبل، چندساعت بعد از انفجار صادر و هشدارهای آلودگی هوا به مواد شیمیایی اعلام شد. حالا از آن آلودگی، غباری رقیق در آسمان باقی مانده و خیابان‌های بندرعباس از همیشه خلوت‌تر هستند. هم‌زمان که آمارهای کشته‌شدگان بالا می‌رفت، مردم خبر سه‌روز عزای عمومی را شنیدند، بی‌آن‌که نشانی از آن در شهر ببینند. وزارت بهداشت شب‌شنبه تاکید کرده بود که در پی انفجار در اسکله شهید رجایی و انتشار گازهای سمی حاصل از اشتعال مواد شیمیایی، به‌منظور حفظ ایمنی و سلامت ساکنان مناطق متأثر از این حادثه، رعایت نکات بهداشتی و ایمنی ضروری است و از شهروندان درخواست می‌شود از هرگونه تردد غیرضروری در خارج از منزل خودداری کنند. در مواردی که خروج از منزل اجتناب‌ناپذیر است، استفاده از ماسک‌های مناسب، توصیه می‌شود.

اما فقط تعداد کمی از مردم از ترس نفس کشیدن مواد شیمیایی ناشناخته، ماسک به‌صورت زده‌اند و اینستارگام اهالی بندرعباس پر از استوری تسلیت و مفقودی است. مرضیه، ساکن بندرعباس است و می‌گوید: «خود من دوفنر را می‌شناسم که از دیروز مفقود شده بودند. پیکر یکی از آنها شناسایی شد اما هنوز خبری از نفر دوم نیست. تعدادشان خیلی زیاد نیست اما تعداد مجروحان زیاد بود و همین کار شناسایی را سخت می‌کرد. کسانی که مفقود اعلام شده‌اند، ممکن است نیروی شرکتی باشند که بیمه نمی‌شوند و در فهرست‌ها نیستند. مثل کارگران بلوچ یا ماشین‌های کانتینبری که هر بار به اسکله می‌آیند و یک یا دو کارگر با خودشان می‌آورند و ممکن است نام همان‌ها در لیست نباشد.» مرضیه می‌گوید، دوستانی در پالایشگاه دارد که بعد از موج انفجار، آسیب دیده‌اند: «یکی سرش به دیوار خورد، یکی توی صورت‌اش شیشه ریخته است، شیشه خانه‌های روستای خون‌سرخ پایین آمده و شهرک شهید رجایی که کارمندان آنجا ساکن بودند، تخلیه شده است.» او دوستانی دارد که آن روز جان‌شان از انفجار نجات پیدا کرد؛ کارمندانی که صبح روز حادثه خواب مانده بودند و مرخصی گرفته بودند یا ترجیح دادند چندساعت دیرتر از همیشه در اسکله حاضر شوند. او هم کسانی را می‌شناسد که از شدت انفجار، صورت‌های‌شان از شکست‌خorde شیشه زخمی شده و شنیده است که کارمندان اسکله حتی مجبور شده‌اند که خودشان همکاران‌شان را از زیر آوار بیرون بیاورند. «بنویسید فاجعه شده بود.»

از جنازه‌ها پودر شده‌اند، شدت انفجار آنقدر زیاد بود که می‌توانست یک‌نفر را پودر کند. انگار که ۱۰۰ موشک خورده باشد آنجا. آهن‌پاره، کانتینر و ماشین‌های ترکیده همه‌جا بود. فاجعه بود. هرتعداد کانتینر که در محوطه وجود داشت، سوخته است.»

▼ بنویسید فاجعه شده بود

تا یک‌روز بعد از انفجار، دود بلند شده از اسکله رقیق‌تر شده و خط کم‌رنگی از آن به چشم می‌آید. آتش‌نشان‌ها از شهرهای مختلف به بندرعباس رسیده‌اند و در شیفت‌های کوتاه‌مدت آتش را مهار می‌کنند. متخصصان مواد شیمیایی، کارشناس‌ها، گروه‌های عملیاتی و تیم‌هایی دیگر. یکی از آتش‌نشان‌های حاضر در اسکله تعریف می‌کند که برای جابه‌جا کردن کانتینرها به لودر و لیفتراک نیاز است: «در بسیاری از کانتینرها پر از سیلندرهای گاز بود و بعضی از این انفجارها هم به‌دلیل وجود همین سیلندرهاست. ما کانتینرها را بیرون می‌کشیم، آتش آن را اطفاء می‌کنیم، اما باز دوباره شروع می‌شود. چون لودر نیست که کار کند، آتش پیش می‌رود.» آگیری از هواپیما انجام می‌شود و این آتش‌نشان می‌گوید، تعداد انفجارهای کوچک کمتر شده است؛ انفجارهایی که شاید ناشی از همین سیلندرهای گاز، فلزهای تحت فشار یا عوامل دیگر باشند: «از تهران حدود ۳۵ آتش‌نشان به منطقه آمده‌ایم و باز هم گروه‌های دیگری اعزام خواهند شد. فعلاً نمی‌توان تخمین زد که چندنفر جان‌شان را از دست داده‌اند. هسته حرارتی زیاد است و با جابه‌جا شدن کانتینرها زبانه می‌کشند اما در حال کم‌ترشدن است؛ چون روند جداسازی کانتینرها در حال انجام است. چون آنچه می‌سوزد، باید بسوزد و تمام شود.» آتش‌نشان‌ها از تکه‌پیکره‌هایی لابه‌لای کانتینرها می‌گویند، از مرگ با سوختن، گم‌شدن پیکر لابه‌لای آهن، خون و آتش.

اطفای حریق تا عصر یکشنبه وارد مرحله لکه‌گیری شد و آنطور که رئیس ستاد مدیریت بحران استان اعلام کرده است، ۸۰ درصد از آتش‌سوزی در بندر مهار شده است.

شهر هنوز پر از شایعه است و مردم با احتیاط درباره آن حرف می‌زنند. مرد راننده هم همان شایعه‌ها را شنیده بود و مدام تکرار می‌کرد. همانطور که با ماسک پشت فرمان نشسته بود، از غبار نشسته روی آسمان شهر می‌گوید و با دست، رد دود را نشان می‌دهد: «الان دوده‌های اسکله هم مثل ابر شده است، رقیق‌تر و کم‌رنگ‌تر.» خانه‌اش ۴۰ کیلومتر با اسکله فاصله دارد: «اسکله که منفجر شد، انگار یک‌نفر در خانه را با لگد باز کرد. شیشه بعضی جاها خرد شد. سقف ماشین‌ها پایین آمده بود. فشار انفجار خیلی بالا بود. شما حساب کن که فقط ۴۰ کیلومتر موج آن انفجار آن بود.» لحظه انفجار



اجازه ورود خبرنگاران، مصاحبه و گفت‌وگو با مصدومان را گرفته بود؛ همه چیز قرار بود تنها از مسیر رئیس دانشگاه علوم پزشکی اعلام شود. فاطمه جراره، نماینده بندرعباس در مجلس گفته است که به‌دلیل نامشخص بودن تعداد مفقودی‌ها قرار است سامانه‌ای از طرف استانداری راه‌اندازی شود: «عزیزانی که نتوانسته‌اند به عزیزان خود دسترسی پیدا کنند و اطلاع ندارند که آن‌ها کجا هستند، می‌توانند به آن سامانه مراجعه کنند و اطلاعات خود را بارگذاری کنند یا به تیمی که در آنجا قرار داده شده، اطلاع دهند تا سریع‌تر تعیین تکلیف شوند.»

بیشتر مجروحان اولیه به بیمارستان نیروی دریایی ارتش که به اسکله نزدیک‌تر است، منتقل شده بودند و کارکنان پذیرش و پرستاران آن دیگر هیچ بیمار بی‌نامی ندارند. گوشه‌ای از بیمارستان که متعلق به نیروی زمینی ارتش است، چند زن و مرد زیر سایه نشسته‌اند؛ خانواده مرد جوانی که از دیروز در انفجار اسکله گم شده و حالا هیچ کجا ردی از او پیدا نمی‌شود. «اسماعیل» جوان و تازه‌داماد که در همان محوطه سینیای بندر شهید رجایی کار می‌کرد، مفقود شده بود، او که تازه چندماه از ازدواجش می‌گذشت. یکی از اعضای خانواده‌اش می‌گوید همه بیمارستان‌ها، پزشکی قانونی و آرامستان شهر را گشته‌اند اما خبری نیست، اسماعیل هیچ کجا نبود: «به خانواده‌ها گفته شده شاید برای شناسایی نیاز به آزمایش دی.ان.ای باشد و مننظرم به ما خبر دهند. احتمالاً از تهران برای انجام این کار کمک بگیرند. در بیمارستان شهید محمدی هم دو نفر به‌تازگی شناسایی شده‌اند.» او شنیده است هنوز پیکره‌هایی از محوطه نزدیک محل انفجار خارج نشده‌اند و در اخبار خوانده که تعداد مفقودی‌ها بین پنج تا ۱۰ نفر است. آنها تنها نبودند، داخل محوطه بیمارستان سیدالشهدا چند جوان بلوچ ایستاده‌اند؛ آنها هم از دوستان‌شان بی‌خبر مانده بودند و عکس‌ها و اسم‌های مفقودی‌ها، مجروحان و کشته‌شده‌ها در گروه‌های واتس‌اپی و تلگرامی دسته‌به‌دست و شهر برای پیدا شدن ردی از مفقودی‌های حادثه، زیرورو می‌شود.

▼ مجهول‌الویه زیر آوار انفجار

از شب‌شنبه که انفجار و آتش‌سوزی در بندر آغاز شد، ابرهای سیاه متراکم‌تر شدند و چشم اهالی از شدت دود و آلودگی بلندشده از اسکله می‌سوخت. آنها گاهی به آسمان چشم می‌دوختند که رد هواپیماهای آپااش و هلیکوپترها را دنبال کنند. موج انفجار آنقدر شدید بود که روستاهای بسیار دورتر از اسکله هم آن را حس کرده بودند. ویدئوهای روز حادثه دست‌به‌دست می‌شود و گوش‌به‌گوش خاطره لحظه انفجار بارها مرور می‌شود. خودروهای اوراق‌شده در انفجار به شهر آمده‌اند. خودرویی با سقفی فرو رفته وارد حیاط بیمارستان سیدالشهدا می‌شود و همه می‌دانند که او هم دیروز در اسکله بوده و موج انفجار درست مثل یک سنگ بزرگ روی سقف‌اش فرود آمده است. راننده برادر یکی از مجروحان حادثه است که در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان سیدالشهدا بستری شده؛ جوانی ۳۵ ساله و ترخیص کار گمرک. او تعریف می‌کند، خودرویش دیروز در پارکینگ اسکله و درست در فاصله ۲۵۰ متری از محل حادثه بود: «موج انفجار شاید حدود دوهزار ماشین را گرفت. برادرم هم در فاصله ۳۰ متری از محل حادثه بوده و موج انفجار آنقدر شدید بود که او را پنج، شش متر از زمین بلند کرد، روی زمین انداخت و دست‌وپا، دنده، سر و بینی‌اش آسیب دید. انفجار که رخ داد، من در اسکله بودم. مثل یک زلزله ۱۰ ریشتری بود.» او می‌داند که دو نفر از همکاران برادرش هم فوت کرده‌اند: «آن دو نفر در کانکس داخل محوطه و در مدار انفجار بودند. این جنازه‌ها قابل رویت و شناسایی بودند. کسانی را داریم که مجهول‌الویه‌اند و نمی‌توان آنها را تشخیص داد. بعضی

ادامه از صفحه یک

آنچه اما این فرضیه را در شرایط حاضر کمرنگ می‌کند، تداوم مذاکرات ایران و آمریکا برای دستیابی به توافقی تازه در زمینه هسته‌ای است. قاعدتاً تا زمانی که این مذاکرات استمرار داشته باشد، هرگونه عمل خرابکارانه اسرائیل در داخل خاک ایران به معنای کارشکنی در سیاست دولت ترامپ محسوب می‌شود.

اسرائیل نزدیک‌ترین متحد ایالات متحده است تا جایی که حفظ امنیت آن، در قلمرو «منافع حیاتی» آمریکا از سوی هر دو حزب اصلی آن کشور تعریف شده است. با این حساب، دو طرف منطقاً نمی‌توانند در امور استراتژیک عیله یکدیگر کارشکنی کنند.

به هر حال، به فرض دخالت اسرائیل در حادثهٔ جان‌خراش بندرعباس، دولت ترامپ هم در معرض اتهام قرار می‌گیرد، زیرا در آن صورت، ماجرا از دو حال خارج نخواهد بود بدین صورت که دولت ترامپ از این دخالت، یا مطلع و یا بی‌اطلاع بوده است.

اگر مطلع بوده باشد این به معنای دادن چراغ سبز به اسرائیل برای خرابکاری در تأسیسات بندری ایران محسوب می‌شود، اما وقتی دولت ترامپ در حال مذاکره با نمایندگان جمهوری اسلامی برای دستیابی به توافق است، با چه منطقی ممکن است هم‌زمان با آن به خرابکاری اسرائیل در داخل خاک ایران چراغ سبز نشان داده باشد؟ هیچ منطقی چنین رفتاری را توجیه نمی‌کند چون نه‌فقط چنین اقدامی مذاکره را فاقد معنا می‌کند بلکه ریشهٔ هر نوع اعتمادی را در نظام بین‌الملل می‌سوزاند و به خاکستر تبدیل می‌کند. در مقابل اگر در فرضیهٔ فوق، آمریکا از خرابکاری فرضی اسرائیل بی‌اطلاع بوده باشد، در آن صورت به محض روشن شدن ماجرا باید به صراحت آن را محکوم کند و مجازاتی علیه دولت نتانیاهو در نظر بگیرد، زیرا این اقدام، کارشکنی در کار کاخ سفید به شمار می‌رود و اگر بدون مجازات بماند، حیثیتی برای دولت ترامپ باقی نمی‌ماند. به همین دلایل فرضیهٔ خرابکاری خودسرانهٔ اسرائیل بدون اطلاع دادن به دولت آمریکا نیز رنگ می‌بازد.

فرضیهٔ دوم، خرابکاری از سوی گروه‌های تروریستی داخلی است. در بین این گروه‌ها تاکنون فقط گروه تروریستی «جیش‌العدل» نشان داده که کم و بیش فعال است و می‌کوشد تا دامنهٔ اقدامات تروریستی خود را در حاشیهٔ خلیج فارس گسترش دهد.

اگر این فرض صحیح باشد، پاس‌خگویی نهادهای امنیتی ضرورت پیدا خواهد کرد و لازم است سازوکاری از سوی نهادهای بالادست برای آسیب‌شناسی عملکرد و روبهٔ آنان به کار گرفته شود.

فرضیهٔ سوم، تصادفی بودن ماجرا بر اثر سهل‌انگاری و یا هر نوع بی‌کفایتی مسئولان امر است.

رئیس قوهٔ قضائیه بارها از لزوم رسیدگی به «ترک فعل» مسئولان سخن به میان آورده است و برخی محافل خواستار «جرم‌انگاری» این پدیده شده‌اند. جرم‌انگاری از پدیده‌ای تحت عنوان «ترک فعل» به نظر بی‌معنا می‌آید چراکه یک مدیر یا مسئول، یا لایق و صالح و شجاع و متخصص در کار خویش است که معمولاً کارش را درست انجام می‌دهد مگر آنکه در مورد یا موارد استثنایی، به عمد تخلف کند یا از روی سهو غافل شود. مدیر و مسئول نالایق و ناصالح و ناوارد اما اصلاً فعل درستی از او برنمی‌آید که لازم باشد ترک فعلش جرم‌انگاری شود! چنین فردی همان اهل ترک فعل باشد زانش کمتر از فعال بودن اوست! در واقع آنچه به عنوان ترک فعل مسئولان شهرت یافته است، نوعی بی‌صلاحیتی و یا ترس از تصمیم‌گیری و یا عدم شناخت کار است. بنابراین مسئلهٔ اصلی نه ترک فعل آنان بلکه چرایی سپردن امور ادارهٔ کشور به آنهاست! چرا در این کشور بسیاری از مدیران ضعیف و یا ترسو و یا نالبد هستند؟ آیا در ایران افراد صاحب صلاحیت و شجاع و متخصص نایاب‌اند و به ناچار باید از بین «ضعفا» مدیران را انتخاب کرد؟ یا اینکه فرزندان لایق این کشور هر کدام به دلیلی و یا برجستگی از دایرهٔ مدیریت کشور حذف شده‌اند و کار به دست نالایقان افتاده است؟ وضعیت بوروکراسی کشور واقعاً وحشتناک است. با این وضع اگر تحریرها «بالمره» هم لغو شوند و سالانه صدها میلیارد ارز وارد کشور شود، نمی‌توان به بهبود واقعی حال کشور و مردم مطمئن بود. بوروکراسی کشور در همهٔ اجزاء دولتی و خصوصی آن نیاز به تجدید ساختار دارد تا چرخ‌دنده‌های ماشین دولت روان شود و در جهت درست حرکت کند. بدون یک نوسازی بنیادی، فجایع دوره‌ای دست از سر این جامعه برنخواهند داشت.

سازمان بهزیستی کشور
اداره کل بهزیستی استان البرز

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت اول

اداره کل بهزیستی استان البرز به منظور مشارکت در ارائه خدمات تخصصی مشاوره روانشناختی و مددکاری اجتماعی (مراکز اورژانس اجتماعی سطح استان البرز) در نظر دارد از ظرفیت‌های بخش غیر دولتی (اشخاص حقوقی دارای مجوز و واجد شرایط) استفاده نماید.

لذا متقاضیان محترم می‌تواند با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیک دولت به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد و شرایط برگزاری مناقصه اطلاع حاصل نمایند.

لازم بذکر است مهلت دریافت اسناد مناقصه ۵ روز پس از درج آگهی نوبت اول می‌باشد.

جهت کسب و دریافت اطلاعات و هماهنگی بیشتر به آدر س کرج - بلوار تعاون -خیابان فرهنگ- اداره کل بهزیستی استان البرز مراجعه و یا شماره تلفن ۰۲۱-۳۲۵۱۹۹۳۳ داخلی ۱۲۰ و تلفن همراه ۰۹۱۲۲۶۱۸۷۴۳ تماس حاصل نمایید.

روابط عمومی بهزیستی استان البرز

نشانه آگهی: ۱۹۲۰۴۸۵